نشریه علمی- پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال هشتم، شمارهٔ بیست و نهم، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۷۰- ۱۵۳

تحلیل آموزه‌های تعلیمی در بررسی بینامتنی دو اثر (پروین اعتصامی و انوری)

دکتر رقیه صدرایی*

چکیده

امروزه بینامتنیت اصطلاحی رایج در نظریه‌های ادبی و زبان‌شناسی است. بینامتنیت بر این اصل مبتنی است که هیچ اثری مستقل و خود ساخته مؤلف نیست بلکه از متون گذشته و از اندیشه فراروی ادبیات بهره برده است. بینامتنیت رابطه یک متن با سایر متون را بررسی می‌کند. هدف این مقاله آن است که با استفاده از این نظریه آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی پروین اعتصامی و انوری را ارزیابی کند. برای نیل به این هدف قطعه «اشک یتیم» از پروین اعتصامی با قطعه «والی شهر ما گدایی بی حیاست» از انوری بررسی و تجزیه و تحلیل شده است و تشابه و افتراق آن نمایانده شده است.

واژه‌های کلیدی

بینامتنیت، آموزه‌های تعلیمی، پروین اعتصامی، انوری.

---

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران r-sadraie@srbiau.ac.ir

تاریخ وصول ۹٤/٦/۱۲ تاریخ پذیرش ۹٤/۱۰/۱۷

Archive of SID
www.SID.ir

مقـــدمه

«بینامتنیت» از نظریه‌های جدید ادبی و زبان‌شناختی در عرصه نقد ادبی است که با توجه به دیدگاه دوسویه یک متن یا شعر ارزش والایی دارد. بینامتنیت رابطه یک متن با سایر متون ادبی را بررسی می‌کند و به عنوان روشی ساختاری برای ساخت متون ادبی و چگونگی رسیدن به هدف، تأثیرگذار است؛ زیرا هم متن مقصد بررسی می‌شود و هم متن مبدأ ارزیابی می گردد تا هم‌سویگی برای نیل به مقصد نهایی و شایع کردن یک باور یا تصوّر خیالی و تعلیمی هر چه بهتر رخ نماید.

ژولیا کریستوا و ژرار ژنت از جمله اولین کسانی هستند که نظریه بنیامتنیت را طراحی کردند و آن را گسترش دادند و بر این باور تاکید کردند که هیچ متنی، نظامی بسته و مستقل به خود ندارد بلکه در گذر زمان از متن‌های دیگر تأثیر پذیرفته است. حتی می‌توان گفت که در یک متن مشخص هم مکالمه‌ای مستمر میان آن متن و متونی که بیرون از آن متن وجود دارند، جریان دارد. این متون ممکن است ادبی یا غیر ادبی باشند، هم‌عصر همان متن باشند یا به سده‌های پیشین تعلق داشته باشند. (ر.ک. مکاریک، ۷۲:۱۳۸۳)

کریستوا، با استناد به این تعریف و واگشایی نظریه خود، نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند. «متن شبکه‌ای از نظام‌های نشانه‌ای است که در نسبت با سایر کنش‌های دلالت‌گر (کاربردی از نشانه‌ها که شاخصه ایدئولوژیک دارد) در متن فرهنگ جای گرفته است. بینامتنیت متن را با دلالت‌های تاریخی- اجتماعی‌اش سازگار می‌سازد و آن را در تعامل با رمزگان‌ها، گفتمان‌ها و صداهای گوناگون می‌نشاند که از متن گذر کرده‌اند» (همان: ۷۳).

بنابراین هر متنی یک بینامتن است و دیگر متن‌ها در سطوح متفاوت و قابل شناسایی در آن حضور دارند چه به صورت نقل قول‌ها و یا به طور پنهانی. در نقد سنتی معمولاً

Archive of SID

www.SID.ir

به دنبال تأثیرپذیری یک متن از متون پیشین یا هم‌عصرش می‌گردیم و عناوین مختلفی همچون تلمیح، تضمین، درج، اقتباس، تقلید، استقبال، انتحال و... را به کار می بریم که در بررسی‌های امروزی بینامتنیت نامیده می‌شود.

دکتر شمیسا می‌گوید: «تکیه باختین بیشتر بر روی رمان است. رمان‌های چندآوایی و تک‌آوایی. اما ژولیاکریستوا تکیه بر روی مکالمه متون گذشته و حال دارد، رولان بارت هم عقیده دارد که نباید در جست و جوی منابعی که بر متن اثر گذاشته باشیم، هر متن در حقیقت نقل قول‌هایی است از هزاران قائل بی نام و نشان، نقل قول‌هایی که در نگارش آنها علامت نقل قول را نگذاشته‌اند.(شمیسا، ۱۳۷۸: ۳۵۹)

با چنین رویکردی می‌توان گفت که هیچ متن مستقلی وجود ندارد بلکه هر متن برخاسته از متون پیشین یا معاصر خود است و هیچ مؤلفی خالق اثر خودش نیست بلکه اثر او بازخوانشی از آثار پیشینیان یا معاصران خود است. مثنوی‌های نظامی گنجوی، داستان‌های شیرین مثنوی مولوی، سروده‌های سعدی شیرازی و سایر متون همواره صدای متون دیگر را دارد.

از آنجا که نظریه بینامتنیت در نقد ادبی ایران در چند دهه‌ی اخیر مطرح شده و پژوهش گسترده‌ای در مورد آن صورت نگرفته است، در این مقاله برآنیم تا قطعه شعر «اشک یتیم» از پروین اعتصامی و «والی شهر ما گدایی بی‌حیاست» از انوری را بر پایه روابط بینامتنیت بررسی کرده، نکات تعلیمی هر یک را بازگو نماییم.

پروین اعتصامی

پروین اعتصامی فرزند میرزا یوسف‌خان اعتصام‌الملک در بیست و پنج اسفند ماه ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد او که از اوان کودکی همراه پدر به تهران آمده بود ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر فرا گرفت و از هفت سالگی به سرودن شعر پرداخت به

Archive of SID

www.SID.ir

گونه‌ای که استعداد و قریحه شاعری او موجب تعجب اندیشمندان و ادیبان زمان او گردید. پروین بیشتر اوقاتش را در تنهایی می‌گذراند و در یازده سالگی با دیوان اشعار فردوسی، نظامی، مولوی، انوری، ناصرخسرو، منوچهری و فرخی آشنا بود. پدر قطعاتی از زبان‌های فرانسه ترجمه می‌کرد و با آموزش شیوه بیان شعر، پروین را تشویق می‌کرد که آنها را به صورت شعر در آورد. این یک نوع تمرین شاعری و آموزش هنرهای شعری بود که پدر به شیوه عاطفی برگزیده بود.

دیوان پروین که در زمان حیات او چاپ شد، ۵۶۰۰ بیت که شامل قصاید، مثنوی‌ها و قطعات اجتماعی اخلاقی است که هر کدام لذت خاصی به خواننده می‌بخشد. پروین از پیشروان شعر عصر تجدد در ایران بود و با مبانی خردگرایانه شعر خود نیازهای عصر روشنفکری مشروطه را پاسخ می‌داد و نوعی شعر نئوکلاسیک فارسی را بنا نهاد. واقع‌گرایی و تکیه بر خرد و اراده و مسئولیت انسان در قبال سرنوشت خود، شالوده نگاه اجتماعی او را تشکیل می‌دهد . پرهیز از اوهام و تکیه بر کار و تلاش در شعر او درون‌مایه‌ای است که به خوبی با نیازهای عصر تجدد هماهنگ است. در زمینه زبان و سبک نیز پیروی از وضوح و تعادل، استفاده از زبان فاخر و واقع‌گرایی و معنی‌سنجی بویژه در قالب مناظره و تمثیل، از شاخصه‌های نئوکلاسیک شعر اوست که مجموعاً موجب شده منتقدان عصرش او را در شمار نوگرایان به حساب آورند. (مشرف، ۱۳۹۰:۱۳۵)

مهمترین ویژگی اشعار پروین، تعلیمی بودن و حکمی بودن اشعار وی است «شعر تعلیمی، شعری است که هدف اصلی سراینده، آموزش حکمت و اخلاق، همچنین تشریح و تبیین مسائل و اندیشه‌های مذهبی، تربیتی، فلسفی و مضامین پندگونه باشد. بیان آموزه‌های اخلاقی و حکمی در شعر فارسی از اوایل سده چهارم هجری آغاز شد و به تدریج در بیشتر قالب‌های شعری جلوه‌گری نمود. اشعار تعلیمی گاه به صورت جداگانه و مستقل است. همانند منظومه‌ها و داستان‌هایی که منحصراً به آموزه‌های تعلیمی می‌پردازد و

Archive of SID

www.SID.ir

گاه در دیگر آثار ادبی پراکنده است (یلمه‌ها، ۱۵۳:۱۳۹۰).

دیوان پربار پروین مدیون مطالعات دیوان شاعران بزرگ ایران زمین است که بسیاری از مضامین تعلیمی و اخلاقی شاعران بزرگ را به طرز هنرمندانه و بدیع پرورده و صورتی دیگرگون ساخته است. یکی از اساسی‌ترین اسلوب‌های شعری پروین استفاده از عنصر مناظره است. مناظرات پروین دربردارنده نکات اخلاقی، تعلیمی و اجتماعی است و اکثر این مناظره‌ها صورتی قابلی دارند یعنی مناظره بین دو موجود غیرانسان صورت می‌گیرد که این خود لطف خاصی به شعر می‌بخشد.

دکتر حشمت مؤیّد، استاد دانشگاه شیکاگو، در مقدمه محققانه خود به عنوان «شخصیت و شعر پروین» بر کتاب «نوحه بلبل» نگاشته است: «پروین در سرودن مناظره از حیث کیفیت و کمیت از همه پیشینیان فراتر رفته است. در دیوان او تقریباً (از ۲٤۸شعر او) در ۵ تا ٦۳ بیت از نوع قابل، حکایت، تمثیلی، در قالب قصیده و قطعه، مثنوی، می‌توان یافت که حالت مناظره دارد. ابداع او در مضمون و انتخاب طرفین مناظره از اشخاص، موجودات جاندار، گل و گیاه و اشیاء بی‌جان یا موضوعات انتزاعی، ورود در عالم هر یک از دو طرف بحث و احساس حالات آنها، قدرت تجسّم، سخن گفتن به شیوه‌ای متناسب و هنرمدانه از زبان هر یک، اشارات نکته‌آموز و پر مغز به اقتضای حال و بسیاری ظرایف دیگر این‌گونه اشعار او را به صورت مظاهر درخشان هنر وی در آورده است» (یوسفی؛ ۱۳٦۹:٤۱۷-٤۱٦).

دیوان پروین از بعد اندیشه‌های مذهبی، تربیتی و اجتماعی اهمیت فوق‌العاده دارد. اوضاع نابسامان اجتماعی، استبداد زمانه قاجار و کشته‌شدن محمدتقی‌خان امیرکبیر زمزمه مشروطه‌خواهی را در ایران بلند کرد و آزادی خواهان فرمان مشروطه را با خون جوانان وطن از مظفرالدین شاه گرفتند اما اندکی بعد این جنبش سرکوب شد و نافرجام باقی ماند؛ شعرای آزاده دستگیر و زندانی شدند؛ دهان فرخی یزدی را برای آنکه به

Archive of SID

www.SID.ir

استبداد بد گفت، دوختند؛ دیکتاتوری با تمام مظاهرش بر سر مردم بینوا و بهت‌زده سایه انداخت؛ عشقی شاعر آزاده به قتل رسید. این اوضاع اجتماعی زمانه از پروین شخصیتی عصیانگر و رحیم ساخت. او در برابر بی‌قانونی سکوت نمی کرد؛ تحمل بی‌عدالتی و رنج دیگران را نداشت؛ آزردگی مردم او را متأثر می‌کرد. او در این مبارزه دست به سلاح برداشت و سلاحش نفس گرم و قلم توفنده‌اش بود. او حاکمان جامعه را مورد انتقاد قرار داد و مخالف سرسخت ظلم و بیداد صاحبان قدرت بود.

اخلاق در دیوان پروین بر همه چیز مقدم است. او معلم اخلاق است. همه چیز در شعر او با معیار اخلاق سنجیده می‌شود، اگر ماطبق آن بود ارزشمند است در غیر این‌صورت مردود. احساس و عاطفه در شعر پروین سخت قوی است و خواننده را منقلب می‌کند، سخنان او از دل برخاسته‌اند و لاجرم بر دل می‌نشینند.

تحلیل آموزه‌های تعلیمی در سروده اشک یتیم پروین

پروین در سرایش قطعه‌های اخلاقی و تعلیمی خود نیم‌نگاهی به گذشتگان داشته است قطعه «اشک یتیم» که سئوال و جوابی رندانه و حکیمانه میان کودک یتیم و پیرزن گوژپشت است، بهانه‌ای برای انتقاد از اوضاع نابسامان اجتماعی است و یادآور قطعه «والی شهر» انوری است.

«اشک یتیم» سروده پروین اعتصامی

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی — فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم — کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست — پیداست آنقدر که متاعی گرانبهاست
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت — این اشک دیدهٔ من و خون دل شماست
ما را به رخت چوب شبانی فریفته است — این گرگ سالهاست که با گله آشناست

Archive of SID

www.SID.ir

آن پارسا که دِه خَرَد و ملک، رهزن است — آن پادشاه که مال رعیت خورد گداست
بر قطرهٔ سرشک یتیمان نظاره کن — تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
پروین به کجروان سخن از راستی چه سود — کو آنچنان کسی که نرنجد ز حرف راست
(اعتصامی، ۱۳۷۹: ۲۶)

در این قطعه پروین پیرزن سوخته دل را تصویر می‌کند که هر خط صورتش رنجی و دردی است او با انگشت به سوی تاج و گوهر تابناک پادشاه که چون چشمان ماری می‌درخشد اشاره می‌کند. او شور و شعف توده‌ی مردم را با دیدن پادشاه نشانه غفلت و ناآگاهی مردم می‌داند.

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی — فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست

پروین تربیت عمومی و پرورش دانش اجتماعی را در جامعه ضروری می‌داند. او نجات ستمدیدگان و برقراری عدالت را در گرو تربیت سیاسی می‌داند و تباهی روزگار مردم را در بی سوادی و غفلت بیان می‌کند.

او معتقد است آدمیان آگاه را نمی‌توان به اسارت برد؛ آنان که شعور و آگاهی دارند به راحتی بند اسارت را نمی‌پذیرند؛ او علم و دانش را همواره در اشعارش می‌ستاید؛ علم و دانشی که انسان را از بلاهت و شقاوت دیگران می‌رهاند. او بزرگترین دشمن علم و بزرگی را نادانی و حماقت می‌داند. به همین دلیل در این سروده زیرکانه خطر و ضرر شوق‌زدگان توده مردم را بیان می‌کند.

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی — فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست
پرسید زان میانه یکی کودک یتیم — کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست

پروین داشتن تربیت سیاسی و پرورش دانش اجتماعی را کافی نمی‌داند؛ او دست روی دست گذاشتن و انتظار کشیدن را بیهوده می‌پندارد؛ او شرافت انسان‌ها را در ایجاد تنش فعال در جامعه می‌داند؛ او خواهان کنده شدن ریشه ظلم است و با زبانی انتقادی

Archive of SID

www.SID.ir

حاکمان ظالم را که نمایندگان مردم هستند، زیر سئوال می‌برد و آنان را گرگ‌هایی می‌داند که با جور و ستم بر مردم حکومت می‌کنند و هر کس اعتراضی کرد، حقش را کف دستش می‌گذارند و برای دلخوشی مردم عوام گاه و بیگاه با تجمل و مراکب از پیش آنان عبور می‌کنند تا مردم عامی را نسبت به شرایط موجود راضی نگه دارند.

ما را به رخت چوب شبانی فریفته است این گرگ سالهاست که با گله آشناست

احساس و عاطفه در شعر پروین قوی است و خواننده را متأثر می‌کند و نوعی رمانتیسم برخاسته از واقعیت است. در این سروده قطره اشک یتیمان و خون دل آنها را به تصویر می‌کشد که نتیجه غارتگری و تزویر و بی‌کفایتی حکام جامعه است نه حکم و قضای آسمانی و نصیب و قسمت.

بر قطرهٔ سرشک یتیمان نظاره کن تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست

استحکام سخن پروین در محکوم کردن فقر بی‌نظیر است. او در قلب مصائب و مظالم اجتماعی رفته بی آنکه خود و جهان‌بینی خود را محدود به دیدگاهی معین بداند او فقر و تهیدستی جامعه را حاصل بی‌کفایتی و غارتگری حاکمان می‌داند.

پیرزن در شعر پروین نماد آگاهان جامعه است که با توده مردم همراه شده تا با استفاده از عناصر عینی که در پادشاه می‌بیند و دیگران نیز بدان‌ها چشم دوخته‌اند، مردم را آگاه کند و به خفتگان بفهماند که زر و زیوری که بر تاج پادشاه نقش بسته، خون دلی است که توده مردم خورده‌اند.

نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت این اشک دیدهٔ من و خون دل شماست

پروین در ورای این شعر عابدان و زاهدان که به فکر دنیا هستند و فریب آن را خورده‌اند، انتقاد قرار می‌کند و می‌گوید پارسایی که دل به ثروت دنیا و تعلقات آن دهد دزد است و در مصراع دوم با استفاده از هنر اسلوب معادل بیان می‌دارد پادشاهی که مال رعیت را بخورد، گدایی بیش نیست.

www.SID.ir

آن پارسا که دِه خَرَد و ملک، رهزن است آن پادشاه که مال رعیت خورد گداست

شاعر در آخر نصیحتی رندانه می‌کند که کسانی که کجی را پیشه کرده‌اند، از راستی سخن گفتن بهره‌ای ندارند. آیا کسی هست که عیب‌ها و نقایص او را بیان کنی و از راستی سخن تو نرنجد و این استفهام انکاری است و پاسخش بدون استثناء «نه» است.

اوحدالدین انوری

انوری از شاعران پرآوازه قرن ششم است که او را یکی از بزرگان شعر فارسی در کنار سعدی و فردوسی قرار می‌دهند؛ زیرا در قصایدش سرآمد روزگار بوده است.

زبان شعر انوری ساده و بی‌پیرایه‌ترین زبان شعر عصر اوست. تنها کسی که در این میدان با او قابل مقایسه است، سعدی است که یک قرن بعد از او می‌زیسته و زبان توده مردم تا زبان طبقات فرهیخته را می‌دانسته است. در شعر انوری دو نوع روحیه شعری حاکم است؛ یکی وضع و حالت رسمی و تشریفاتی اوست که در قصایدش خود را می‌نمایاند و دیگری روحیه خصوصی و صمیمی او که بیشتر در قطعه‌ها و غزل‌های او می‌توان دید.

شفیعی کدکنی معتقد است که چنان می‌نماید انوری میدان قصیده را با هنرنمایی و فضل‌فروشی و استدلال‌های علمی و منطقی خویش تنگ کرده است. ولی در قطعه به طبیعت گفتار و در غزل به نوعی زبان برای بیان سادگی عشق طبیعی رسیده است. در قطعات انوری آثاری از نوع واقع‌گرایی به مفهوم ساده و عام واقع‌گرایی دیده می‌شود. (انوری، ۸۱:۱۳۸٤)

سادگی و روانی و واقع‌گرایی در دیدگاه اجتماعی انوری سبب شده است که بسیاری از شعرای هم‌عصر او و حتی بعد از او با دیده عنایت به اشعار او توجه کنند.

شاید به نظر آید که چه سود از مدایحی که جز یاوه‌گویی و تملق نیست اما باید

www.SID.ir

اذعان داشت که این شعرهای مدیح گذشته علاوه بر ارزش هنری و زبانی که می‌تواند داشته باشد، ارزش اجتماعی و تاریخی عام دارد که ما را با گذشته بیش از هر تاریخی آشنا می‌کند. مدایح انوری از یک سو مدینه فاضله و شهر آرمانی موجود جامعه را و از سویی دیگر جریان‌های اجتماعی تاریخ را بیان می‌کند. اگرچه شعرهای درباری در مواردی باعث فتور و سستی در جامعه و غرور حکام می‌گردد اما از سویی دیگر بعضی از فضایل اخلاقی را غیرمستقیم شناسانده و متوجه ارزش آن معیارها بوده است و شاعران عملاً نصیحت‌کنندگان حکام نیز بوده‌اند، گاهی به صراحت و گاه غیرمستقیم از طریق نسبت کردن کسی که درکی از عدالت ندارد به عدالت، یا کسی که دوستدار فلان فضیلت نیست به دوست داشتن آن فضیلت و این تذکر غیرمستقیم این فضایل را پیش روی حکام می‌آورده است.

شفیعی کدکنی معتقد است: انوری برای رسیدن به ایدئولوژی خاص شعر می‌گوید. در قصیده نامه اهل خراسان تصویر درخشانی از اضطراب و هیجان‌های جامعه در برابر خونریزی‌ها و شکنجه‌های غزان نقش کرده است دفاع انوری از سلطان سنجر و یاری خواستن از خاقان سمرقند برای نجات دادن مردم از شر غزان یک نوع دفاع از ایدئولوژی مترقی‌تر بوده است (انوری، ۱۳۸٤: ۱۰٤).

حجم قابل‌ملاحظه‌ای از شعر انوری را قطعه ها و رباعی‌های او تشکیل می‌دهد و حدود یک سوم دیوان و بخش عظیمی از این حجم را هجوها و غزل‌ها و طنزهای او تشکیل می‌دهد و شاید یکی از علت‌های ادامه حیات ادبی او همین طنزها و هجوها باشد و یا بعضی قطعه‌های اخلاقی او.

در شعر انوری نمونه‌هایی از طنز وجود دارد که زیباترین شعر اجتماعی زبان فارسی است مثلاً در آنجا که به طنز روی آورد و می‌گوید:

ای خواجه مکن تا بتوانی طلب علم کاندر طلب راتب هر روزه بمانی

www.SID.ir

رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آمـوز تا داد خـود از کهتـر و مهتـر بسـتانی

(انوری، ۱۳۸٤ ۱۰۵)

تحلیل آموزه‌های تعلیمی والی شهر از انوری

آن شنیدسـتی کـه روزی زیرکـی بـا ابلهـی

گفت این والی شهر مـا گـدایی بـی‌حیاسـت

گفت: چون باشد گدا آن کز کلاهش تکمـه‌ای

صد چو ما را روزها بل سال‌ها، بـرگ و نواسـت

گفتش: ای مسکین! غلط اینک ز اینجا کرده‌ای

آنهمه برگ و نوا دانی که آنجـا از کجاسـت؟

دُرّ و مروارید طوقش اشک اطفال مـن اسـت

لعل و یاقوت ستامش[1] خـون ایتـام شماسـت

او که تا آب سبو پیوسته از ما خواسته اسـت

گر بجویی تا به مغـز اسـتخوانش زانِ ماسـت

خواستن کدیه[2] است خواهی عُشر[3] خوان، خواهی خـراج

زآنکه گر ده نام باشد یک حقیقت را رواسـت

چون گدایی چیز دیگر نیست جز خواهنـدگی

هر که خواهد گر سلیمان است و گر قـارون گداسـت

(انوری،۱۳۸٤: ۱۸۸)

انوری در این سروده والی شهر را گدایی بی‌حیا تصـویر مـی‌کنـد کـه درّ و مروارید طوقش اشک طفلان مردم و لعل و یاقوت ستامش از خون دل یتیمان است او با استفاده از هنر پارادوکس والی شهر را که زندگی اشرافی و سلطنتی دارد و طـوق و سـتامش از لعل و مروارید است گدایی بی‌حیا معرفی می‌کند.

www.SID.ir

شفیعی کدکنی معتقد است: اشعار انوری از یک سو مدینه فاضله و شهر آرمانی موجود در جامعه را تصویر می‌کند و از سویی دیگر جریان‌های تاریخ را بیان می‌کند وقتی انوری یا فرخی ممدوح خودشان را به فلان صفت می‌ستایند مجموعه این صفات اگرچه در آن ممدوح ممکن است اصلاً وجود نداشته باشد که غالباً هم ندارد نشان‌دهنده این نکته است که به هر حال معیار ارزش‌های اجتماعی حاکم بر اعماق ضمیر جامعه و آرزوهای مردمی چیزی است که در دایره همان صفات. (انوری، ۱۳۸٤: ۸۳)

کاربرد واژه بی‌حیا در این قطعه انوری نشانگر صفت منفور در جامعه است که گریبانگیر حاکمان زمانه است زیرا اموال و دارایی توده مردم مظلوم را غصب می‌کنند و حقوق انسانی را پایمال کرده، از آن خود می‌دانند. فقر و عقب‌ماندگی جامعه را نتیجه بی‌کفایتی و بی‌شرمی آنان و جهل و نادانی را منشأ فقر و بدبختی مردم می‌داند لفظ زیرک را در مقابل ابله قرار می‌دهد چرا که جامعه‌ای که افراد آن زیرک باشند، هرگز تن به ذلت نمی‌دهند و عزت شرف خود را به خطر نمی‌اندازند.

آن شنیدستی که روزی زیرکی با ابلهی — گفت این والی شهر ما گدایی بی‌حیاست
گفت: چون باشد گدا آن کز کلاهش تکمه‌ای — صد چو ما را روزها بل سال‌ها، برگ و نواست

انوری در ابیات بعد این سروده تأثر و تألم خود را نسبت به اطفال و ایتام با زبانی فصیح و روشن بیان می‌کند به نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و بحران‌های ارزش‌های اجتماعی می‌پردازد و با فریادی برخاسته از سینه والیان و حاکمان غاصب را می‌گوید و ذلت و حقارت آنها را با لفظ گدای بی‌حیا بیان می‌کند، والی که همه دارایی او دسترنج مردم زحمت‌کش است زر و زیور زندگی‌اش از اشک و خون دل مردم است.

خواستن کدیه است خواهی عُشرخوان، خواهی خراج
زآنکه گر ده نام باشد یک حقیقت را رواست

Archive of SID

www.SID.ir

بررسی روابط بینامتنیت در سروده دو شاعر

ژرارژنت بینامتنیت را به سه دسته بزرگ تقسیم می‌کند صریح و لفظی، غیرصریح و پنهان شده، بینامتنیت ضمنی، بینامتنیت صریح بیانگر حضور آشکار یک متن در متن دیگر است به عبارت روشن‌تر، در این نوع بینامتنیت مؤلف متن دوم در نظر ندارد مرجع متن خود را یعنی متن اول را پنهان کند به همین دلیل به نوعی می‌توان حضور متن دیگری را در آن مشاهده کرد در صریح‌ترین و لفظی‌ترین شکلش عملی سنتی نقل قول و یا گیومه و یا بدون ارجاع است. در نقل قول، مؤلف متن دوم بینامتن را متمایز می‌کند، به شکلی که می‌توان حضور یک متن را در آن مشاهده کرد نقل قول را می‌توان به دو دسته بزرگ با ارجاع و نقل قول، بدون ارجاع تقسیم کرد. بینامتنیت غیرصریح بیانگر حضور پنهان یک متن در متن دیگر است به عبارت دیگر، این نوع بینامتنیت می‌کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند و این پنهان‌کاری به دلیل ضرورت‌های ادبی نیست، بلکه دلائلی فراادبی دارد. سرقت ادبی– هنری یکی از مهم‌ترین انواع بینامتنیت غیرصریح تلقی می‌شود(نامور مطلق، ۸۸:۱۳۸٦).

گاهی نیز مؤلف متن دوّم قصد پنهان‌کاری بینامتن خود را ندارد و به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را شناخت امّا این عمل به صورت صریح انجام نمی‌گیرد و به دلایلی و بیشتر به دلایل ادبی به اشارت ضمنی بسنده می‌شود. بینامتنیت ضمنی نه همانند بینامتنیت صریح مرجع خود را اعلام می‌کند و نه همانند بینامتنیت غیرصریح سعی در پنهان‌کاری دارد به همین دلیل در این بینامتنیت عده خاصی یعنی مخاطبان خاصی که نسبت به متن اول یعنی متنی که مورد استفاده قرار گرفته است، آگاهی دارند، متوجه بینامتن می‌شوند مهمترین اشکال این نوع بینامتن؛ کنایات، اشارات، تلمیحات و... است ژنت در این خصوص می‌گوید: «بینامتنیت در کمترین شکل صریح و لفظی‌اش، کنایه است یعنی

Archive of SID

www.SID.ir

گفته‌ای که نیاز به ذکاوت فراوانی دارد تا ارتباط میان آن متن و متن دیگری که ضرورتاً بخش‌هایی را به آن باز می‌گرداند دریافت شود» (نامور مطلق، ۱۳۸٦: ۸۹).

هر متن تنها به این دلیل معنا دارد که ما پیشتر خوانده‌ایم و استوار به رمزگانی که پیشتر شناخته‌ایم. بینامتنی توجه ما را به متون پیشین جلب می‌کند ناگزیریم که متون پیشین را چونان سازندگان رمزگان گوناگون بدانیم که افق دلالت را ممکن می کنند ... مناسبات بینامتنی در حکم حلقه‌های رابط اجزاء سخن است؛ مجموعه‌ای دانش که به متن امکان می‌دهد تا معنا داشته باشد. (ر.ک. احمدی، ۳۲۷:۱۳۸۰)

مخاطب با نگاه اولیه به سروده پروین با عنوان«اشک یتیم» متوجه می‌شود که رابطه بینامتنیت صریح و به گونه‌ای نقل قول نیست و خواننده اهل ادب پی می‌برد که پروین در مطالعات خود در دیوان انوری به این قطعه پی برد و از طریق بینامتنیت ضمنی از آن استفاده کرده است.

نشانه‌های آشکار دیگری که خواننده را به متن انوری سوق می‌دهد به کار بردن کلمات کلیدی مشابه «پادشاه، یتیم، تاج، گدا» که برگرفته از متن انوری است. همچنین تشابه کلی دو قطعه بازگوکننده روابط بینامتنی است. مناظره که به صورت پرسش و پاسخ در دو قطعه مطرح است که می‌توان تأثیرپذیری پروین را به گونه‌ای آشکار مشاهده کرد.

از نظر تعداد ابیات پروین ۸ بیت و ابیات انوری ۷ بیت است که هر دو شاعر در تعداد ابیات نسبتاً مساوی (با یک بیت اختلاف) به هدف و مقصود خود رسیده‌اند. هر دو شاعر دیدگاه اجتماعی یکسانی را مطرح می‌کنند و با استفاده از عناصر صریح که در مناظره‌ی «یتیم و گوژپشت» و «ابله و زیرک» به چشم می‌خورد ساختارهای غلط اجتماعی را به باد انتقاد می‌گیرند. و از بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها و آشفتگی‌ها می‌نالند.

در سروده پروین واژه پادشاه و در سروده انوری واژه والی از بار معنایی یکسانی

Archive of SID

www.SID.ir

برخور دارند هر دو شاعر از ستم اغنیاء بر فقرا می‌گویند پروین پادشاه را ظالمی می‌داند که گوهر تابناک او را اگر بشکافند اشک دیده و خون دل مردم از درون آن روان می‌شود و والی شهر در سروده انوری همان حاکم جابری است که لعل و یاقوت طوق و ستامش از اشک اطفال و خون دل ایتام است.

انوری:

درّ و مروارید طوقش اشک اطفال من است　　لعل و یاقوت ستامش خون ایتام شماست

او که تا آب سبو پیوسته از ما خواسته است　　گر بجویی تا به مغز استخوانش زانِ ماست

(انوری، ۱۳۸٤: ۱۸۸)

هر دو شاعر از عناصر نمادین جامعه برای رسیدن به هدف و رساندن آن به مخاطب بهره می‌برند انوری به جای توده مردم که در شعر پروین برای دیدن پادشاه جمع شده‌اند از «ابله» استفاده می‌کند که او نماد مردم ناآگاه و بی‌منطق است و در شخصیت دوم انوری زیرک را که تناقض شخصیتی با ابله دارد به کار می‌برد و این شخص نماد از آگاهان جامعه است که درد مردم را می‌بینند و زبان به اعتراض می‌گشایند. در شعر پروین نیز پیرزن گوژپشت که سال‌ها تجربه دارد در برابر توده مردم قرار می‌گیرد و به جای شادی کردن از دیدار پادشاه به بازگشایی دردها می‌پردازد.

نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت　　این اشک دیدهٔ من و خون دل شماست

(اعتصامی،۱۳۷۹: ۲٦)

واژه گرگ در سروده پروین در برابر گدایی و بی‌حیایی والی شهر قرار می‌گیرد. پروین صاحبان قدرت را همچون گرگی درنده می‌داند که با حرص و طمع به جان مردم افتاده‌اند. پروین در قطعه‌ای دیگر برای پادشاه صفت صید گرگ آز را می‌آورد همانطور که گرگ از روی حرص و طمع همه گله را نابود می‌کند پادشاه گرگ‌صفت نیز تمام هستی مردم را نابود می‌کند.

Archive of SID

www.SID.ir

ما را به رخت چوب شبانی فریفتـه اسـت این گرگ سالهاست که با گله آشناست

(اعتصامی، ۱۳۷۹: ۲٦)

انوری هم والی شهر را غارتگری می‌داند که آز و طمع از او گـدایی بـی‌شـرم و حیـا ساخته است که تجملات و تشریفات زندگی‌اش را از مردم به زور می‌گیرد.

خواستن کدیه است خواهی عُشرخوان، خواهی خـراج

زآنکه گر ده نام باشد یک حقیقت را رواست

چون گدایی چیز دیگر نیست جز خواهنـدگی

هر که خواهد گر سلیمان است و گر قارون گداست

(انوری، ۱۳۸٤: ۱۸۸)

البته ناگفته پیداست که به دلیل گذر زمان و فاصله هشت قرنی بین انوری و پـروین، و استفاده از عناصر امروزین زبان، شعر پروین را از نظر عاطفی و تأثیرگذاری نسبت بـه شعر انوری در درجه والایـی قـرار داده اسـت و سـوز و گـدازی کـه در شـعر پـروین احساس می‌شود هر مخاطب آگاهی را متأثر می‌کند. تا با دیدی عمیـق بـه سـاختارهای جامعه‌اش بنگرد.

بررسی آماری و نموداری سروده دو شاعر

جدول ۱. سروده پروین

ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است	این گرگ سالهاست که با گله آشناست	ظلم و ستم
روزی گـذشت پادشهـی از گذرگهی	فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست	غفلت و بی‌خبری
پـرسید زان میانـه یکـی کودک یتیم	کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست	
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفـت	این اشک دیده من و خون دل شماست	زیرکی و هشیاری
بر قطـرهٔ سـرشک یتیمان نظاره کـن	تـا بنگری کـه روشنی گوهر از کجاست	فقر و تهیدستی
آن پارسا که دِه خَرَد و ملک، رهزن است	آن پادشاه که مال رعیت خورد گداست	دنیاپرستی

Archive of SID

www.SID.ir

جدول ۲. سروده انوری

در و مروارید طوقش اشک طفلان من است او که تا آب سبو پیوسته از ما خواسته است	لعل و یاقوت ستامش خون ایتام من است گر بجویی تا به مغز استخوانش زانِ ماست	ظلم و ستم
آن شنیدستـــی که روزی زیـرکی با ابلهی	گفت این والی شهر ما گدایی بـی‌حیاست	غفلت و بی‌خبری
آن شنیدستـــی که روزی زیـرکی با ابلهی	گفت این والی شهر ما گدایی بـی‌حیاست	زیرکی و هشیاری
گفت: چون باشد گدا آن کز کلاهش تکمه‌ای گفتش: ای مسکین! غلط اینک ز اینجا کرده‌ای	صد چو ما را روزها بل سالها، برگ و نواست آنهمـــه برگ و نوا دانی که آنجا از کجاست؟	فقر و تهیدستی
خواستن کدیه است خواهی عُشرخوان، خواهی خراج چون گدایی چیز دیگر نیست جز خواهندگـــی	زآنکه گر ده نام باشد یک حقیقت را رواست هر که خواهد گر سلیمان است و گر قارون گداست	دنیاپرستی

نتیجه

بینامتنیت یکی از نشانه‌های ارزشمند و قابل تأمل در زبان‌شناسی متون ادبی اسـت و در ادبیات جدید راهی برای کشف خلاقیت‌ها و استعدادهای شاعران و نویسندگان هسـت که نه تنها از ارزش و اعتبار اثر کم نمی‌کند بلکه پیوند متون ادبی را چه در حـوزه شـعر و چه در حوزه نثر و حکایت مورد ارزیابی قرار می‌دهد .

مقایسه سروده پروین و انوری در حوزه روابط بینامتنی بیانگر این مطلـب اسـت کـه انوری اگر چه به عنوان شاعر مدیحـه‌سـرا در ادبیـات فارسـی مطـرح اسـت و شـهرت ادبی‌اش به سبب قصاید مدحی اوست ولی در زمینه مناظره که به زبانی ساده بـر آن بنـا نهاده و از منظر سئوال و جواب به نقد اجتماعی می‌پردازد در شعرای بعـد از خـود اثـر خاصی گذاشته است. شاعری چون پروین که به متون گذشته آگاهی دارد از این دریـای بی‌کران انوری صید تعلیم و اخلاق را از تور نقد اجتماعی بیرون مـی‌کشـد و بـا تغییـر شخصیت‌ها و تکنیک‌های خاص با جذابیتی تأثیرگذار بیان می‌دارد. تـا همگـان او را در مناظره استادی بی‌بدیل بدانند.

پی‌نوشت‌ها

۱- گدایی

www.SID.ir

۲- ده یک
۳- ساخت و یراق زین

منابع

۱- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). **ساختار و تأویل متن**. تهران: نشر مرکز.
۲- اعتصامی، پروین. (۱۳۷۹). **دیوان پروین اعتصامی**. تهران: انتشارات نهال نویدان.
۳- آلن، گراهام. (۱۳۹۲). **بینامتنیت**. تهران: نشر مرکز.
٤- انوری، محمد.(۱۳۸٤). **مفلس کیمیافروش، نقد و تحلیل شعر انوری**. محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: نشر سخن.
۵- رنجبر، جواد؛ عربی، سجاد. (۱۳۹۰). بینامتنی اشعار بارودی با شعر جاهلی، **فصل نامه علم**. پژوهشی نقد ادب معاصر عربی، سال دوم، شماره اول، ص.ص. ۱۱۸-۸۹.
٦- شریعت، محمد جواد. (۱۳۷۰). **یاد نامه پروین اعتصامی**. به کوشش‌علی دهباشی. تهران: نشر دنیای مادر.
۷- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). **نقد ادبی**. تهران: انتشارات فردوس.
۸- مشرف، مریم. (۱۳۹۰). *مفهوم تجدد و رویکرد نئوکلاسیک در دیوان پروین اعتصامی*. پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، شماره۱۱ ، ص.ص. ۱۵۲-۱۳۵.
۹- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۳). **دانش‌نامه‌های نظریه‌های ادبی معاصر**. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: نشر مرکز.
۱۰- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸٦). مطالعات ارجاعات درون متنی در مثنوی. **با رویکرد بینامتنی پژوهش‌نامه علوم انسانی**. شماره ٥٤ ، ص.ص. ٤٤۲-٤۲۹ .
۱۱- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ، **پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان**، سال سوم، شماره ۱۱، ص.ص. ۱۷۵-۱۵۳.
۱۲- یوسفی، غلامحسین. (۱۳٦۹). چشمه روشن. تهران: انتشارات علمی.

Archive of SID

www.SID.ir